

استفاده از شوینده‌های خوشبو در حال احرام^۱

مهدی ساجدی^۲ و محمدرسول آهانگران^۳

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی حکم تکلیفی و وضعی استفاده از شوینده‌های خوشبو در حال احرام پرداخته است. به اتفاق فقیهان امامیه، مُحرم باید از استعمال طیب (خوشبوکننده) برای خوشبو کردن لباس و بدن و نیز از استنشام بوی خوش بپرهیزد؛ در این صورت همان‌گونه که فقهای معاصر نیز تصریح کرده‌اند استفاده از شوینده‌های خوشبو در حال احرام برای شستن بدن جایز نیست؛ اما مُحرم می‌تواند از آنها برای شست‌وشوی لباس استفاده کند. همچنین فقیهان امامیه معتقدند در فرض استعمال طیب، بر مُحرم قربانی واجب می‌گردد. نتایج حاصل از این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل ادله صورت گرفته حاکی از این است که موافقت با نظر فقیهان معاصر مشکل است و آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که مُحرم باید از خوشبو کردن خود با هر چیزی که اساساً برای خوشبو کردن به کار می‌رود (مانند عطر، ادکلن و گیاهان خوشبو) پرهیز کند. اما بوییدن گل، میوه و سبزی‌های معطر جایز است. همچنین استفاده از چیزهایی که غرض اصلی از آنها خوشبو کردن نیست جایز است. در این صورت باید معتقد شد استفاده از مواد شوینده بهداشتی خوشبو که حاوی اسانس میوه‌ها و گل‌هاست، جهت شست‌وشوی بدن جایز و در صورت داشتن بوی تند مکروه

۱. برگرفته از رساله دکتری نویسنده.

۲. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران پردیس فارابی (نویسنده مسئول)
(mehdisajedi85@yahoo.com)

۳. استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران پردیس فارابی (ahangaran@ut.ac.ir).

است؛ زیرا غرض اصلی از استفاده از این مواد، شست‌وشو و نه خوشبو کردن بدن است. علاوه بر اینکه اسانس (عطرمایه) موجود در این مواد، از پوست میوه‌ها و گلبرگ گل‌ها گرفته شده که مطابق با روایات، بوییدن آنها جایز است.

کلیدواژه‌ها: مواد شوینده معطر، بوی خوش، احرام، گل، طیب.

مقدمه

امروزه با توسعه و پیشرفتی که در صنایع تولید محصولات بهداشتی صورت گرفته است، در بسیاری مواد مورد استفاده در شست و شوی بدن و لباس، مانند صابون، شامپو، پودر و مایع‌های مخصوص شست و شوی دست و لباس، از اسانس گل‌ها و میوه‌ها برای خوشبو کردن این‌گونه محصولات استفاده می‌شود و با توجه به توسعه بهداشت در عمده کشورها و شهرها به‌ویژه در مکه مکرمه و توجه ویژه‌ای که نسبت به رعایت نظافت و فراگیر کردن استفاده از مواد بهداشتی در تمام دنیا و از جمله در این شهر مقدس وجود دارد، حجاج خانه خدا عموماً از این‌گونه محصولات برای تنظیف استفاده می‌کنند. از طرفی به اتفاق فقیهان امامیه، به‌طور اجمال استفاده از طیب برای مُحرم جایز نیست و برخی نیز معتقدند مُحرم باید از استشمام بوی خوش پرهیز کند. برای نمونه از فقیهان متقدم که معتقدند اجمالاً مُحرم باید از طیب اجتناب کند می‌توان به شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن زهره و ابن ادریس، فاضل آبی، محقق و علامه حلی اشاره نمود (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۲؛ علم الهدی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۹؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۲؛ آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۷؛ ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۰۳؛ ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۴۶ و ج ۱۲، ص ۲۳)

همچنین از فقیهان متأخر که در این زمینه اظهار نظر نموده‌اند می‌توان شهیدین، محقق کرکی، اردبیلی، سبزواری (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۴؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶۶؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۸۴؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۹۷) و از فقیهان معاصر جناب محقق داماد را نام برد. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۴۹)

حال این پرسش مطرح می‌شود که حکم استفاده از این‌گونه مواد شوینده خوشبو در حال احرام چیست؟

بررسی این موضوع وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم عمده حجاج پس از اتمام اعمال منا، چون هنوز اعمال مکه را انجام نداده‌اند، بوی خوش بر آنها حلال نشده و مُجاز به استفاده از آن نیستند و درعین حال نیازمند به استفاده از مواد شوینده جهت نظافت بدن یا لباس به‌ویژه لباس احرام خود هستند. بنابراین چنانچه مقتضای تحقیق، حرمت استفاده از مواد شوینده خوشبو برای مُحرم باشد، آنان باید از صابون، شامپو و مواد شوینده بدون بو برای شستن دست و بدن استفاده کنند. البته شست‌وشوی لباس با مواد شوینده خوشبو خصوصاً هنگام استفاده از ماشین لباسشویی بدون اشکال است. اما اگر نتیجه تحقیق، جواز استفاده از مواد شوینده خوشبو باشد، آنان بدون هیچ اشکالی می‌توانند از این محصولات بهداشتی در حال احرام استفاده کنند.

از آنجاکه پاسخ به پرسش مطرح‌شده، نیازمند بررسی روایات دال بر حرمت طیب برای مُحرم است، لازم است به تتبع در خصوص این روایات پردازیم و قبل از آن مناسب است مفاهیم اساسی مطرح در پژوهش مانند مفهوم طیب و اسانس و نیز استعمال حرام طیب برای مُحرم در کلام فقها مورد واکاوی قرار گیرد.

گفتنی است در خصوص موضوع مورد پژوهش یا موضوع نزدیک به آن، مقاله یا نوشتار تحقیقی یافت نشد و وجه نوآوری مقاله حاضر در اثبات انحصار حرمت طیب برای مُحرم، در خوشبو کردن بدن، لباس، غذا و مانند آن و خوردن غذای خوشبو شده است و بالطبع اثبات شده که بوییدن گل‌ها، میوه، سبزی و شوینده‌های معطر برای مُحرم جایز است.

۱. مفاهیم اساسی

الف) طیب

مطابق با تصریح اهل لغت، مراد از طیب چیزی است که با آن بتوان بدن،

لباس، غذا و مانند آن را خوشبو کرد: ^۱ (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۶۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۹۰) و در اصل به معنای چیزی است که از طریق حواس پنج‌گانه موجب لذت بردن انسان شود. ^۲ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۷) از این رو به مواد معطری که با بوییدن آنها لذتی برای انسان حاصل می‌شود، عطر اطلاق شده است. ^۳ (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۱۱)

ب) اسانس (عطرمایه)

اسانس‌ها مخلوطی از ترکیبات روغنی فرار و معطری هستند که در گیاهان دارویی ساخته می‌شوند. روغن موجود در سلول‌های گیاهی توسط گرما و فشار از قسمت‌های مختلف گیاه مانند برگ، گل، میوه، شاخه، ریشه، چوب، پوست، صمغ و شکوفه آزاد می‌شود. استخراج اسانس‌ها از قسمت‌های مختلف گیاه می‌تواند به روش‌های گوناگونی صورت گیرد؛ مانند تقطیر آبی، بخار و تقطیر بخار آب. (احسان عالی و دیگران، ۱۳۹۶ش، ص ۴۸۰ - ۴۸۱) اسانس‌ها در صنایع غذایی، دارویی، عطر و آرایشی و بهداشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (همان، ص ۴۸۶)

۲. اقوال فقها در ارتباط با استعمال حرام طیب

استفاده از بوی خوش جهت معطر کردن لباس، بدن و غذا و نیز بوییدن رایحه نیکو قابل تصور است. بنابراین لازم است نظرات فقها در هر مورد را به‌طور جداگانه جویا شویم.

۱. «و الطَّيِّبُ: ما يَتَّيَّبُ به.» جوهری؛ «و الطَّيِّبُ: ما يَتَّيَّبُ به.» ابن منظور؛ «و الطَّيِّبُ مَأَى ما يَتَّيَّبُ به.» مرتضی زبیدی.

۲. «و أصل الطَّيِّبِ: ما تستلذَّه الحواسُ، و ما تستلذَّه النَّفْسُ.»

۳. طریحی، مجمع، ج ۲، ص ۱۱۱: «و الطَّيِّبِ: المستلذَّه.»

الف) نظرات فقها در مورد خوشبو کردن بدن و لباس

به اتفاق فقیهان امامیه، مُحرَم باید از خوشبو کردن لباس و بدن اجتناب کند. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۲؛ علم الهدی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۷ و ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۰۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۴۹) البته برخی فقها اجتناب از مطلق خوشبوکننده و برخی دیگر اجتناب از مصادیق خاصی را لازم شمرده‌اند.

ب) نظرات فقها در مورد استفاده مُحرَم از غذای خوشبو

به اتفاق فقیهان امامیه، مُحرَم باید از خوردن غذایی که مشتمل بر مواد معطر مانند زعفران است بپرهیزد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۱۳؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۸۴؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۱۹؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۹۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۵۳؛ تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۷۳؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۱۲)

ج) نظرات فقها در مورد بوییدن گل‌های معطر در حال احرام

فقها دو نظریه عمده در مورد بوییدن گل‌های خوشبو ارائه کرده‌اند:

نظریه اول: مشهور فقها قائل به کراهت بوییدن گل و استحباب اجتناب از آن برای مُحرَم هستند. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۰؛ یحیی ابن سعید، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۴؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۸۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۵۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۲۹ و ۴۳۵؛ آقا ضیاء، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۳)

نظریه دوم: برخی فقها و از جمله بسیاری فقیهان معاصر برای مُحرَم اجتناب از همه گل‌ها یا گل‌های کاشته شده برای عطرگیری یا گیاهانی که برای

بوییدن مورد استفاده قرار می‌گیرند را واجب دانسته‌اند. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۹؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۱)

د) نظرات فقها در مورد بوییدن میوه‌ها

دو نظریه در مورد اجتناب از بوی خوش میوه‌ها وجود دارد:

نظریه اول: اجتناب از بوی خوش میوه‌ها بر مُحرم واجب نیست. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۰۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۰؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۹؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۲۹؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۱۲؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۹؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۴۲؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۱؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۲۱)

نظریه دوم: اجتناب از بوی خوش میوه‌ها بر مُحرم واجب یا مطابق با احتیاط است. (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۹ و ۱۶۱)

ه) نظرات فقها در مورد کفاره استفاده از طیب

نظریه اول: اگر مُحرم عمداً از خوشبوکننده استفاده کند، باید گوسفندی را - جز ما یا از باب احتیاط - قربانی کند. (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ انصاری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۸۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۳۱؛ مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۶۱)

نظریه دوم: استفاده عمدی مُحرم تنها از غذای خوشبو شده با مواد معطر مانند زعفران، موجب وجوب قربانی بر او می‌شود. (مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۱۶۱)

و) نظرات فقیهان معاصر در مورد استفاده از شوینده‌های معطر

فقیهان معاصر به اتفاق، معتقدند مُحرم باید از مواد بهداشتی معطر مانند شامپو و صابون در شستن دست و بدن اجتناب کند. (همان، ص ۱۵۹).

۳. مستند اقوال

از آنجا که تنها دلیل مورد استناد فقها در مسئله مورد گفت‌وگو روایات است به بررسی آنها می‌پردازیم. روایات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

دسته اول: روایات دال بر حرمت استفاده مُحَرَّم از خوشبوکننده بدن، لباس و غذا و لزوم پرهیز از بوی آن.

یک) روایت صحیح ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:

حضرت فرمودند: «در زمانی که مُحَرَّم هستی ماده خوشبو و روغن به خود نزن و از مواد خوشبو در غذا پرهیز و بینی خود را از بوی خوش بگیر و از بوی نامطبوع مگیر؛ زیرا برای مُحَرَّم شایسته نیست از بوی خوش لذت برد».^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵۴)

از روایت نکات ذیل قابل استفاده است:

الف) عدم جواز خوشبوکردن بدن - به قرینه فعل «لاتمس» - و غذا در حال احرام؛
ب) وجوب گرفتن بینی جهت جلوگیری از استشمام خوشبوکننده بدن یا غذا.
ممکن است گفته شود فعل «لاینبغی» در کراهت ظهور دارد و در صورت عدم پذیرش ظهور در کراهت - بدین جهت که در برخی روایات در معنای حرمت نیز به کار رفته - باید آن را مشترک بین کراهت و حرمت دانست که تعیین هریک از این دو نیازمند قرینه است و بدون قرینه بر هیچ‌یک از این دو دلالت ندارد و از آنجا که این جمله به عنوان تعلیل برای لزوم گرفتن بینی از استشمام بوی خوش به کار رفته، در فرض پذیرش ظهور مزبور، باید به کراهت استشمام بوی خوش و استحباب گرفتن بینی از آن حکم نمود و در فرض عدم

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَا تَمَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ وَ لَا مِنَ الدُّهْنِ فِي إِحْرَامِكَ وَ اتَّقِ الطَّيِّبَ فِي طَعَامِكَ وَ أَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرَّايحَةِ الطَّيِّبَةِ وَ لَا تَمْسِكْ عَنْهُ مِنَ الرَّايحِ الْمُنْتَنِةِ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُحَرَّمِ أَنْ يَتَلَذَّذَ بِرِيحِ طَيِّبَةٍ».

پذیرش، وجوب احتیاط، حاکم به لزوم پرهیز از استشمام بوی خوش خواهد بود؛ اما آنچه ظهور در کراهت را تقویت می‌کند و قرینه بر استحباب گرفتن بینی از استشمام بوی خوش محسوب می‌شود این است که اگر استشمام بوی خوش بر مُحرم حرام بود، اقتضا داشت امام علیه السلام به‌طور صریح و نه با مثل فعل «لاینبغی» از آن نهی نمایند.

در پاسخ می‌توان گفت: گرچه خوشبو کردن نهی شده است اما به‌طور قطع، صرف خوشبو کردن بدون لحاظ التذاذی که با این کار برای مُحرم حاصل می‌شود مورد نهی نیست؛ زیرا هدف از خوشبو کردن، لذت بردن از بوی خوش است. از طرفی التذاذ از بوی خوش ممکن است با استشمام بوی خوش از غیر مُحرم نیز حاصل شود، از این‌رو امام علیه السلام به لزوم اجتناب از استشمام بوی خوش با گرفتن بینی نیز امر نموده و در مقام تعلیل، علتی را بیان کرده‌اند که با هر دو فعل یعنی خوشبوکردن و استشمام بوی خوش، تناسب دارد. و از آنجا که لذت بردن از بوی خوشبوکننده مورد استفاده توسط مُحرم و غیر مُحرم، امری غیر اختیاری است و در حیطه قدرت مُحرم قرار نمی‌گیرد؛ لذا به‌طور صریح و مستقیم مورد نهی قرار نگرفته، بلکه امام علیه السلام با فعل «لاینبغی» درصدد برآمده‌اند بیان کنند برای مُحرم سزاوار نیست با گرفتن بینی خود، از بوی خوش ناشی از خوشبوکننده لذت برد. بنابراین فعل «لاینبغی» با این بیان در حرمت و فعل «أمسک» در وجوب پرهیز از استشمام بوی خوش ظهور می‌یابد.

دو) روایت موثق ابراهیم نخعی از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «در زمانی که مُحرم هستی ماده خوشبو و روغن به خود نزن و از قرار دادن ماده خوشبو در وسایلت پرهیز و بینی خود را از بوی خوش بگیر و از بوی نامطبوع مگیر؛ زیرا برای محرم شایسته نیست از بوی خوش لذت برد. اگر فردی به این امور مبتلا شد باید غسل احرامش را اعاده کند و به‌اندازه‌ای

که استفاده کرده صدقه دهد.^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۴۴)

مستفاد از این روایت نیز موارد ذیل است:

الف) عدم جواز خوشبو کردن بدن - به قرینه فعل «لا تمس» - و لباس و وسائل مورد استفاده در حال احرام؛

ب) وجوب گرفتن بینی جهت جلوگیری از استشمام خوشبوکننده بدن یا لباس و مانند آن؛

ج) استحباب ادای کفاره در فرض خوشبو کردن بدن و لباس که این مطلب از امر به صدقه به مقدار غیر روشن فهمیده می‌شود؛ زیرا وجوب کفاره نیازمند تعیین مقدار آن به‌طور مشخص است.

سه) روایت صحیح حریز از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «مُحْرَمٌ لَا يَجُوزُ أَنْ يَمَسَّ مِنْ مَادَّةِ خَوْشَبُو وَ كَلِّهِمْ لِمَا فِيهَا مِنْ عَطْرِ بَرِّ الْوَجْهِ وَ لِمَا فِيهَا مِنْ عَطْرِ الْوَجْهِ وَ لِمَا فِيهَا مِنْ عَطْرِ الْوَجْهِ وَ لِمَا فِيهَا مِنْ عَطْرِ الْوَجْهِ»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۵۴)

نکات قابل استفاده از روایت عبارت است از:

الف) عدم جواز خوشبو کردن بدن با ماده خوشبو و گل‌های معطر که از فعل «لا تمس» فهمیده می‌شود؛

ب) استحباب ادای کفاره در فرض خوشبو کردن بدن؛

ج) عدم جواز استشمام بوی خوش چیزی که برای خوشبو کردن به‌کار رفته

۱. وَ يَأْتِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «... وَ لَا تَمَسَّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ وَ لَا مِنَ الدُّهْنِ فِي إِحْرَامِكَ وَ اتَّقِ الطَّيِّبَ فِي زَادِكَ وَ أَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرِّيحِ الطَّيِّبَةِ وَ لَا تَمْسِكْ مِنَ الرِّيحِ الْمُتَبَيَّنَةِ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَتَلَدَّ بِرِيحِ طَيِّبَةٍ فَمَنْ ابْتَلَى بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَعِدْ غُسْلَهُ وَ لِيَتَصَدَّقْ بِقَدْرِ مَا صَنَعَ».

۲. وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَا يَمَسُّ الْمُحْرَمُ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ وَ لَا مِنَ الرِّيحَانِ وَ لَا يَتَلَدُّ بِهِ فَمَنْ ابْتَلَى بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَتَصَدَّقْ بِقَدْرِ مَا صَنَعَ بِقَدْرِ شَبْعِهِ يَعْنِي مِنَ الطَّعَامِ».

است. این عدم جواز، از نهی از تلذذ فهمیده می‌شود؛ زیرا تلذذ از بوی خوش، امری غیر اختیاری است. از این رو نهی از آن به معنای لزوم پرهیز از استشمام اختیاری خوشبوکننده‌ای است که منجر به تلذذ از آن می‌گردد.

چهار) روایت صحیح زراره از امام باقر علیه السلام

حضرت فرمودند: «هرکس عمداً زعفران یا غذایی که در آن ماده خوشبوست بخورد باید قربانی کند. پس اگر از روی فراموشی بوده چیزی به عهده‌اش نیست و از خدای عزوجل طلب مغفرت نماید».^۱ (همان)

روایت فوق به دلیل امر به استغفار بر حرمت خوردن غذایی که با زعفران یا سایر مواد معطر خوشبو شده و نیز وجوب قربانی در فرض خوردن غذای خوشبو شده دلالت دارد.

پنج) روایت صحیح حلبی از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «مُحْرَم باید بینی خود را از بوی خوش بگیرد و نباید بینی خود را از بوی نامطبوع بگیرد».^۲ (همان)

گرچه در این روایت به لزوم پرهیز از استشمام بوی خوش امر شده، اما به قرینه روایات قبل، مراد از استشمام بوی خوش چیزی است که در خوشبو کردن بدن، لباس یا غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شش) روایت صحیح محمد بن اسماعیل از فعل امام رضا علیه السلام

«امام رضا علیه السلام را در حال احرام دیدم درحالی که مقابل حضرت ماده‌ای خوشبو قرار داده شد تا ایشان به آن بنگرند. پس حضرت با لباس خویش، بینی

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «مَنْ

أَكَلَ زَعْفَرَانًا مُتَعَمِّدًا أَوْ طَعَامًا فِيهِ طِيبٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ فَإِنْ كَانَ نَاسِيًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ».

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «الْمُحْرِمُ يَمْسِكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ

الرَّيْحِ الطَّيِّبَةِ وَلَا يَمْسِكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرَّيْحِ الْمُنْتَنِةِ».

خود را جهت جلوگیری از استشمام بوی آن گرفتند».^۱ (همان، ص ۳۵۵)
در نگاه اول ممکن است گفته شود فعل امام علیه السلام در پرهیز از استشمام، اعم از حرمت و کراهت است و بدون وجود قرینه، بر هیچ یک دلالت ندارد؛ اما با توجه به روایاتی که دلالت داشت بر اینکه استشمام خوشبوکننده بدن و لباس جایز نیست، فعل امام علیه السلام در این روایت، بر وجوب گرفتن بینی و پرهیز از استشمام خوشبوکننده بدن و لباس دلالت دارد.

هفت) روایت موثق حنان بن سدیر از امام باقر علیه السلام

به حضرت گفتم: نظرتان در مورد مِلح مخلوط به زعفران برای مُحرم چیست؟ فرمودند: «برای مُحرم سزاوار نیست چیزی بخورد که در آن زعفران یا ماده خوشبوست».^۲ (همان)
روایت فوق به قرینه روایات نهی کننده مُحرم از خوردن غذای خوشبو شده با زعفران، بر حرمت خوردن غذای خوشبو دلالت دارد.

هشت) روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «در حال احرام با گل‌های معطر و چیزی که در آن زعفران است خود را خوشبو نکن و از خوردن غذایی که در آن زعفران است پرهیز».^۳ (همان)

این روایت بر عدم جواز استفاده مُحرم از گل‌های معطر و هر آنچه مشتمل بر زعفران است، در خوشبو کردن خود و نیز حرمت خوردن غذای خوشبو شده با زعفران دلالت دارد.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام كَيْفَ يَبْدُو طَيْبٌ لِيُنْظَرَ إِلَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَأَمْسَكَ عَلَى أَنْفِهِ بِتَوْبِهِ مِنْ رِيحِهِ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْمِلْحِ فِيهِ زَعْفَرَانٌ لِلْمُحْرِمِ؟ قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَأْكُلَ شَيْئاً فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَلَا شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ».

۳. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «لَا تَمَسَّ رِيحَاناً وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ وَ لَا شَيْئاً فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَ لَا تَطْعَمَ طَعَاماً فِيهِ زَعْفَرَانٌ».

نه) روایت موثق اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد مُحرمی سؤال کردم که در حال خواب است و نادانسته ماده خوشبو را لمس کرده است. حضرت فرمودند: «ماده خوشبو را شست و شو کند و چیزی بر عهده‌اش نیست». درباره مُحرمی سؤال کردم که غیرمحرم با روغن خوشبو او را روغن مالی کرده و مُحرم نمی‌داند چه چیزی بر عهده‌اش است. فرمودند: «آن را بشوید و باید از آن بپرهیزد».^۱ (همان، ص ۳۵۶)

روایت، بر وجوب پرهیز از ماده خوشبویی که ناخواسته یا عمداً باعث خوشبو شدن مُحرم - ولو در شکل روغن معطر آغشته به بدن - گردیده دلالت دارد. به نظر می‌رسد روغن معطر مورد استفاده مُحرم به گونه‌ای بوده که بوی خوش در آن بر روغن غلبه داشته و مانند خوشبوکننده موجب خوشبو شدن مُحرم می‌شده است والا به تصریح روایت موثق ابراهیم نخعی، استفاده مُحرم از روغن‌های معطر مکروه است.

ده) روایت صحیح حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام

به حضرت گفتم: لباس احرام را با لباس‌هایی که برای خوشبو شدن بخور داده شده‌اند در یکجا گذاشتم و بوی آن را حس می‌کنم؛ فرمودند: «در معرض باد قرار ده تا بوی خوش آن برود».^۲ (همان)

روایت بر لزوم پرهیز مُحرم از خوشبو کردن لباس احرامش ولو با قرار دادن در کنار سایر لباس‌های خوشبو شده دلالت دارد و بیان می‌کند برطرف کردن بوی خوش از لباس احرام واجب است.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمَسُّ الطَّيِّبَ وَهُوَ نَائِمٌ لَا يَعْلَمُ»، قَالَ: «يَغْسِلُهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ» وَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَدْهُنُهُ الْحَالِلُ بِالذَّهْنِ الطَّيِّبِ وَ الْمُحْرِمُ لَا يَعْلَمُ مَا عَلَيْهِ، قَالَ: «يَغْسِلُهُ أَيْضاً وَ لِيُحَذَّرَ».

۲. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: «قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي جَعَلْتُ ثُوبِي إِحْرَامِي مَعَ أَثْوَابٍ قَدْ جَمَّرْتُ فَأَجِدُ مِنْ رِيحِهَا، قَالَ: «فَانْشُرْهَا فِي الرِّيحِ حَتَّى يَذْهَبَ رِيحُهَا».

یازده) روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

از حضرت درباره مردی سؤال کردم که در حال احرام از روی فراموشی خود را خوشبو نموده، فرمودند: «دستش را بشوید و لیبک بگویید و چیزی بر عهده‌اش نیست».^۱ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵۱)

از اینکه حضرت وی را به گفتن لیبک پس از شستن دست امر نموده فهمیده می‌شود راوی قبل از محرم شدن از خوشبوکننده استفاده کرده است؛ اما از آنجاکه بوی خوش تا زمان احرام باقی بوده، امام علیه السلام وی را به برطرف کردن اثر ماده خوشبو با شستن دستانش امر فرموده‌اند.

دوازده) روایت موثق ابراهیم نخعی از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

حضرت فرمودند: «همانا از خوشبوکننده‌ها چهار چیز بر تو حرام است: مسک و عنبر و ترس و زعفران، جز اینکه برای مُحرم استفاده از روغن‌های خوشبو مکروه است».^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۴۶)

گرچه «انما» در کلام امام علیه السلام بر حصر دلالت دارد، اما با توجه به اینکه برخی مصادیق ذکر شده برای خوشبوکننده در این روایت متفاوت از مصادیقی است که در روایت ذیل آمده، این نتیجه حاصل می‌شود که مراد حضرت از حصر، محدود کردن مصادیق طیب نیست؛ بلکه امام علیه السلام درصددند بیان کنند تنها ملاک حرمت طیب، خوشبوکننده بودن آن و استفاده از آن در خوشبو کردن بدن، لباس و غذاست. خصوصاً اینکه حضرت بعد از بیان مصادیق خوشبوکننده، استفاده از روغن‌های خوشبو را برای مُحرم مکروه دانسته‌اند که دلالت دارد بر اینکه استفاده از روغن از این جهت که خوشبوکننده محسوب نمی‌شود برای مُحرم جایز و به دلیل مشتمل بودن بر بوی خوش، مکروه است.

۱. وَ رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مَسَّ الطَّيِّبَ نَائِبِيًا وَ هُوَ مُحْرِمٌ، قَالَ: «يَغْسِلُ يَدَيْهِ وَ يَلْبَسِي وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ».

۲. وَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا يُحْرَمُ عَلَيْكَ مِنَ الطَّيِّبِ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرُ وَ الْوَرْسُ وَ الرَّغْفَرَانُ غَيْرَ أَنَّهُ يَكْرَهُ لِلْمُحْرِمِ الْأَدْحَانُ الطَّيِّبَةُ الرِّيحِ».

سیزده) روایت صحیح عبد الغفار^۱ از امام صادق علیه السلام

از حضرت شنیدم فرمودند: «خوشبوکننده، مسک، عنبر، زعفران و عود است».^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۱۳)

چنانکه بیان شد حصر مستفاد از مصادیق مذکور در روایت را باید بر محصور بودن حرمت طیب در خوشبوکننده تفسیر نمود تا با روایت قبل که در آن مصادیق دیگری برای طیب بیان شده قابل جمع باشد.

دسته دوم: روایات دال بر جواز استفاده مُحرّم از هر ماده خوشبویی که برای خوشبو کردن استفاده نشود.

یک) روایت صحیح حسن بن زیاد از امام صادق علیه السلام

به حضرت عرضه داشتم: در اشنان (ماده‌ای برای شستن دست) ماده خوشبو وجود دارد. آیا می‌توانم در حال احرام با آن دست خود را بشویم؟ حضرت فرمودند: «چیزی به‌عنوان کفاره به خاطر اشنانی که با آن دست را شستی صدقه بده».^۳ (همان، ج ۴، ص ۳۵۵)

روایت فوق بر استحباب ادای کفاره در فرض استفاده از شوینده معطر دست، دلالت دارد؛ اما از استحباب کفاره نمی‌توان کراهت یا حرمت استفاده از شوینده خوشبو را استنباط نمود. زیرا چنانکه گذشت برخی روایات بر استحباب ادای کفاره در صورت استفاده مُحرّم از خوشبوکننده بدن و لباس دلالت داشت. بله! ممکن است گفته شود از آنجاکه غرض اصلی از استفاده از

۱. به نظر می‌رسد به دلیل سقط در مصدر کتاب، به جای ابی یعفر، عبدالغفار ثبت شده است. (شبی، بی تا،

ج ۹، ص ۲۱۵)

۲. مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «الطِّيبُ الْمِسْكُ وَالْعَنْبَرُ وَالزَّعْفَرَانُ وَالْعُودُ.»

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: الْأُشْتَانُ فِيهِ الطِّيبُ أَغْسِلُ بِهِ بَدَنِي وَأَنَا مُحْرَمٌ؟»... وَ قَالَ: «تَصَدَّقْ بِبَنِي كَفَّارَةً لِأُشْتَانِ الَّذِي غَسَلْتَ بِهِ بَدَنَكَ.»

اشنان (ماده شست‌وشوی دست) شستن دست است، خوشبوکننده به آن اطلاق نمی‌گردد، از این رو استفاده از آن مکروه است.

دو) روایت معتبر ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام

حضرت در مورد مُحرمی که لباسش به ماده خوشبو برخورد کرده فرمودند: «اشکالی ندارد که با دست خود آن را بشویی».^۱ (همان)

روایت بر جواز لمس ماده خوشبوی آغشته به لباس هنگام شست‌وشوی آن دلالت دارد.

سه) روایت صحیح ابی المغراء از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد محرمی که دست خود را با اشنان می‌شوید سؤال کردم فرمودند: «پدرم دست خود را با حُرْض سفید (ماده شستن دست که بوی آن ملایم‌تر از اشنان بوده است) می‌شست».^۲ (همان)

روایت فوق بر جواز استفاده از مواد شوینده معطری که دارای بوی ملایمی هستند دلالت دارد و در عین حال از آن، حرمت استفاده از مواد شوینده خوشبوی تند مانند اشنان استفاده نمی‌شود؛ زیرا اگر استفاده از اشنان حرام بود بر حضرت لازم بود به‌طور صریح بیان کنند، نه اینکه در پاسخ به راوی، به شیوه پدر گرامی‌شان در شستن دست با مواد شوینده معطر ملایم استناد کنند؛ بنابراین استناد مزبور در استحباب پرهیز از مواد شوینده تند ظهور می‌یابد؛ کما اینکه روایت هفتم (حسن بن زیاد) نیز بر کراهت استفاده مُحرم از اشنان دلالت داشت.

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُحْرِمِ بِصِيبِ تَوْبَةِ الطَّيِّبِ، قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يَغْسِلَهُ بِيَدِ تَفْسِيهِ».

۲. صَفْوَانُ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْأَشْنَانِ» قَالَ: «كَانَ أَبِي يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْحُرْضِ الْأَبْيَضِ».

چهار) روایت عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد حنا سؤال کردم؛ فرمودند: «همانا محرم آن را لمس کرده و شترش را با آن مداوا می‌کند و خوشبوکننده نیست و اشکالی ندارد.»^۱ (همان، ص ۳۵۶)

این روایت به صراحت بیان می‌کند هر آنچه مصداق خوشبوکننده نباشد - ولو در کاربرد دیگرش با بوی خوش همراه باشد - استفاده از آن برای مُحرم جایز است.

پنج) روایت صحیح عمران حلبی از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد مُحرمی سؤال شد که در بدنش زخمی است و با دویایی درمان می‌کند که زعفران دارد. فرمودند: «اگر زعفران بر دوا غلبه دارد روا نیست و اگر دوا بر زعفران غالب است اشکال ندارد.»^۲ (همان، ص ۳۵۹)

در این روایت ملاکی کلی در استفاده از مواد معطر در درمان بیان شده است مبنی بر اینکه ملاک جواز استفاده از این گونه ادویه در حال احرام، غلبه داشتن جنبه دارویی بر جنبه خوشبو بودن آن است.

دسته سوم: روایات دال بر جواز بوییدن گل‌ها و خوردن میوه‌ها برای مُحرم:

یک) روایت صحیح معاویه بن عمار

حضرت فرمودند: «اشکالی در بوییدن اذخر، قیصوم، خزامی، شیخ و مانند آن در حال احرام نیست.»^۳ (همان، ص ۳۵۵)

این روایت بر جواز بوییدن گل‌های معطر در حال احرام دلالت دارد.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِنَاءِ»، فَقَالَ: «إِنَّ الْمُحْرِمَ لِيَمْسُهُ وَيَدَاوِي بِهِ بَعِيرَهُ وَمَا هُوَ بِطَيِّبٍ وَمَا بِهِ بَأْسٌ.»
۲. وَرَوَى عِمْرَانُ الْحَلَبِيُّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَكُونُ بِهِ الْجُرْحُ فَيَتَدَاوَى بِدَوَاءٍ فِيهِ زَعْفَرَانٌ، فَقَالَ: «إِنْ كَانَ الزَّعْفَرَانُ غَالِبًا عَلَى الدَّوَاءِ فَلَا وَإِنْ كَانَتِ الْأَدْوِيَةُ غَالِبَةً عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ.»
۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «لَا بَأْسَ بَأَنْ تَنْسَمَ الْإِذْخِرَ وَالْقَيْصُومَ وَالْخُزَامِيَّ وَالشَّيْخَ وَأَشْبَاهَهُ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ.»

دو) روایت صحیح علی بن مهزیار

علی بن مهزیار: از ابن ابی عمیر در مورد سیب، پرتقال و نَبَق (نوعی میوه) و هر میوه خوشبو سؤال کردم؛ گفت: بینات را می‌گیری و می‌خوری.^۱ (همان، ص ۳۵۶) گرچه روایت از سند صحیحی برخوردار است اما به نظر می‌رسد راوی، برداشت و استنباط ابن ابی عمیر از روایات را نقل کرده است. از این رو نمی‌توان بدان استناد نمود؛ خصوصاً اینکه در روایت ذیل نسبت به لزوم پرهیز از بوی خوش میوه سخنی از امام علیه السلام نقل نشده است.

سه) روایت موثق عمار بن موسی از امام صادق علیه السلام

از حضرت در مورد مُحَرَّم سؤال کردم که آیا می‌تواند پرتقال بخورد؟ فرمودند: «بله». گفتم: بوی خوش دارد، فرمودند: «پرتقال، غذاست و خوشبوکننده نیست».^۲ (همان، ص ۳۵۶) این روایت به صراحت بر جواز خوردن میوه‌های خوشبو در حال احرام و عدم لزوم پرهیز از بوی خوش آن هنگام خوردن دلالت دارد.

۴. نقد و بررسی و بیان قول مختار

قبل از بررسی و نقد نظرات فقها لازم است ابتدا از معنای طیب که در روایات به کار رفته و ماهیت آن بحث صورت گیرد تا معلوم شود اولاً مراد از طیب به عنوان موضوع ادله، ماده خوشبوست یا بوی خوش و ثانیاً معلوم گردد موضوع طیب در ادله، محدود به مصادیق خاصی است یا محدودیتی از نظر مصداق ندارد و ثالثاً هرگونه استفاده از طیب حرام است یا استعمال خاصی از

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ النَّسَّاجِ وَالْأُتْرُجِ وَالنَّبَقِ وَمَا طَابَ رِيحُهُ» قَالَ: مُنْسِكٌ عَنْ شَمِّهِ وَتَأْكُلُهُ.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحَرَّمِ بِأَكْلِ الْأُتْرُجِ، قَالَ: «نَعَمْ»؛ قُلْتُ: لَهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ، قَالَ: «الْأُتْرُجُ طَعَامٌ لَيْسَ هُوَ مِنَ الطَّيِّبِ.»

آن مورد نهی است. علاوه بر این باید نهاد مرجع در تفسیر و تعیین مفهوم و مصداق طیب نیز معین گردد. همچنین لازم است روایات باب طیب از نظر سند و دلالت مورد بررسی قرار گیرد.

در تبیین نهاد مرجع در تفسیر و تعیین طیب می‌توان گفت از آنجا که این واژه در ادله شرعی به کار رفته و موضوع حکم قرار گرفته است، به نظر می‌رسد فقیه باید مقصود شارع از آن را با تتبع در روایات و حتی کمک گرفتن از اهل خبره در لغت، معین کند؛ خصوصاً اینکه توجه به سؤال برخی راویان در مورد احکام مربوط به طیب حاکی از این است که موضوع طیب برای مردم عصر صدور روایات یا حداقل برخی از آنها نیز به خوبی روشن نبوده است.

در این صورت فقیه می‌تواند با تمسک به قرائن موجود در کلام اهل لغت و روایات، به اطمینان خاطر در تبیین معنای طیب دست یابد؛ زیرا چنانکه گذشت از کلام اهل لغت استفاده می‌شود مراد از طیب، جسم و ماده‌ای است که برای خوشبو کردن بدن، لباس، غذا و مانند آن به کار می‌رود و به رایحه خوشبو، طیب اطلاق نمی‌شود. همچنین با توجه به تعیین مصداق برای طیب و نهی از لمس آن در برخی روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به طور قطع می‌توان ادعا نمود مراد از طیب، بوی خوش نیست؛ بلکه ماده خوشبویی است که در خوشبو کردن بدن، لباس و غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی سندی و دلالتی

چنانکه گذشت، عمده روایات جز پنج روایت، صحیح هستند؛ از این پنج روایت که «موثق» نامیده شده، یک روایت از حنان بن سدیر صیرفی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است. گرچه سدیر، واقفی است و زمان امام رضا علیه‌السلام را نیز درک کرده (خویی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۱۷) اما ظاهراً اساتید وی روایت مزبور را از او قبل از وقفش نقل کرده‌اند. روایت دوم از عبدالله جبله کنانی از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام نقل شده و گرچه عبدالله واقفی است اما در کتب رجالی توثیق شده است. (همان، ج ۱۱، ص ۱۳۹) روایت سوم را مصدق بن صدقه از

عمار بن موسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده و با وجود فطحی بودن مصدق بن صدقه، به دلیل توثیق وی در کتب رجالی، مورد پذیرش است. (همان، ج ۱۹، ص ۱۸۷) و در نهایت ابراهیم نخعی که دو روایت را از طریق معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده واقفی است؛ اما با توجه به تشکیکش در عقیده وقف و مورد وثوق قرار گرفتن در کتب رجالی (همان، ج ۱، ص ۱۶۸) مورد پذیرش است. بنابراین با توجه به اسناد قابل قبول روایات نقل شده، لازم است از جهت دلالی آنها را بررسی کنیم.

مقتضای جمع عرفی بین روایات تعیین کننده مصداق برای طیب این است که گفته شود بیان مصادیق، از باب تحدید موضوع و حصر آن در موارد مشخص نیست تا در نتیجه، روایات در تعارض با یکدیگر قرار گیرند، بلکه هدف از بیان مصادیق مختلفی که در نوع کارایی، یکسان هستند رساندن فقیه به این نکته است که هر آنچه مانند این مصادیق فقط جهت خوشبوکردن مورد استفاده قرار گیرد، مشمول نهی است. بنابراین طیب به معنای ماده خوشبوکننده می تواند مصادیق متعددی داشته باشد.

در بحث حکم بوییدن گل ها نیز می توان ادعا نمود روایات با هم در تعارض نیستند؛ زیرا روایتی که از مس طیب و ریحان منع نموده، در واقع از استفاده مُحرم از ماده خوشبو و گل های معطر جهت خوشبو کردن خود نهی کرده است و از آنجاکه بوییدن گل یا میوه مصداق خوشبو کردن نیست، بوییدن گل های معطر در مصادیق مختلف و انواع میوه ها برای مُحرم در روایات دیگر مجاز شده است.

با این بیان ممکن است بتوان ادعا نمود علت اختلاف فقها در حکم بوییدن گل و میوه برای مُحرم این است که غالب فقها در بیان حکم طیب، شیوه صحیحی را به کار نبرده و محل بحث را استعمال طیب قرار داده اند و به طور اجمال، حرمت استعمال طیب برای مُحرم را اتفافی دانسته و سپس به بحث از نوع استعمال حرام برای مُحرم پرداخته اند و همین امر سبب شده تا در اطلاق استعمال طیب بر بوییدن گل های معطر دچار اختلاف شوند؛ چه اینکه از یک

طرف با روایاتی مواجه‌اند که به‌طور مطلق مُحرم را از تماس و لمس طیب و ریحان (گل‌های خوشبو) منع نموده و فقها از این روایات، حرمت استعمال طیب به‌طور مطلق (لمس، بوییدن و خوردن) را استنباط نموده‌اند (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۱) و از طرف دیگر روایاتی را نظاره‌گرند که بوییدن برخی گل‌های خوشبو و میوه را جایز دانسته‌اند. در جمع بین این دو دسته، برخی به قرینه جواز بوییدن گل‌ها در برخی روایات، نهی از لمس ریحان را بر کراهت حمل کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۹) گروهی دیگر، حصر طیب که از برخی روایات فهمیده می‌شود را اضافی دانسته یا بر شدت مبغوضیت حمل کرده‌اند و در نتیجه معتقد شده‌اند استعمال طیب به‌طور مطلق (لمس، بوییدن و خوردن) حرام است و با تمسک به روایات خاص، بوییدن برخی گل‌ها را از این حکم استثنا نموده‌اند. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۳۲) برخی دیگر قدم را جلوتر نهاده و جواز بوییدن گل‌های معطر را به گل‌های صحرائی خودرو و بدون دخالت انسان قید زده‌اند. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۲۹؛ افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۴۷)

اما به نظر می‌رسد تأمل در روایات، بیانگر نکته دقیق‌تری است که در حل اختلاف مزبور راهگشاست. زیرا چنانکه در دسته‌بندی روایات طیب گذشت، روایات، مُحرم را فقط از خوشبوکردن خود با ماده خوشبو در مصادیق مختلف یا با گل‌های معطر و خوردن غذای خوشبو شده منع نموده و نهی از لمس طیب و ریحان، به معنای حرمت همه استعمالات طیب نیست و از آنجا که بوییدن گل‌های معطر مصداق خوشبو کردن نیست، بنابراین در روایات دیگر، بوییدن گل‌های معطر برای مُحرم مجاز دانسته شده است. با این توضیح می‌توان ادعا نمود اولاً مجموعه روایات مبین حکم طیب با یکدیگر تعارض و تنافی ندارد و ثانیاً لازم نیست جواز بوییدن گل‌های معطر را به مصادیق بیان‌شده در روایت یا گل‌های معطر صحرائی اختصاص دهیم یا چنانکه برخی محققین متأخر تصریح

کرده‌اند حصر طیب در مصادیق مذکور در روایات را حقیقی دانسته و استعمال سایر مصادیق را جایز بدانیم. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۲۰)

بنابراین مستفاد از روایات چنین است که مُحرم باید از خوشبوکردن خود با هر ماده خوشبو که برای خوشبوکردن بدن، لباس و غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز از خوردن غذای خوشبو اجتناب کند؛ اما اگر در عین خوشبو بودن کارایی دیگری مانند درمان، شست‌وشو و مانند آن دارد، چنانچه جنبه کاربردی دیگر بر خوشبو بودن غلبه داشته باشد به گونه‌ای که استفاده از آن مصداق خوشبو کردن نباشد، استفاده از آن ماده در کارایی دیگر جایز و البته مکروه است؛ مگر اینکه بوی خوش آن کم و ملایم باشد که در این فرض، کراهت نیز منتفی است.

بنابراین استفاده مُحرم از شوینده‌های خوشبو مانند شامپو، صابون و پودرها یا مایع‌های مخصوص شست‌وشوی لباس جایز و البته مکروه است؛ زیرا گرچه از اسانس (عطرهای) گل‌ها و میوه‌ها جهت مطبوع کردن بوی این مواد استفاده شده، اما از آنجاکه شست‌وشوی بدن و به‌ویژه لباس با این مواد، مصداق خوشبو کردن نیست، استفاده از آن برای مُحرم جایز و در مواردی که بوی تند و ماندگاری داشته باشد مکروه است.

همچنین مستفاد از روایات این است که وجوب قربانی به‌عنوان کفاره استفاده از طیب، تنها مختص به خوردن غذای خوشبوست؛ زیرا کفاره آن به‌طور واضح و مشخص بیان شده و این تعیین کفاره به‌طور مشخص با واجب بودن آن سازگاری دارد. اما کفاره خوشبوکردن بدن و لباس، صدقه مقداری طعام در حد سیری فرد اطعام شده تعیین شده که امری نامشخص بوده و با استحباب سازگاری دارد. بنابراین به نظر می‌رسد صدقه طعام به‌عنوان کفاره خوشبوکردن بدن و لباس، مستحب است.

مقتضای جمع عرفی و اصل عملی

چنانکه در بررسی روایات مربوط به طیب گذشت، معلوم گردید روایات

بیان‌کننده حکم طیب برای مُحرم با یکدیگر تعارض و تنافی ندارند. از این رو لازم نیست جهت رفع تعارض با استمداد از جمع عرفی، مطلق طیب را حرام و مصادیق ذکر شده از آن در برخی روایات را مصادیق دارای حرمت شدیدتر بدانیم یا بیان مصادیق را بر بیان حکم واقعی حمل نموده و فقط استفاده از آن مصادیق را برای مُحرم ناروا محسوب داریم. همچنین لازم نیست جواز بوییدن گل‌های معطر را به مصادیق بیان‌شده در روایت یا گل‌های معطر صحرائی و مانند آن اختصاص دهیم؛ زیرا موضوع حرمت در این روایات، خوشبوکردن بدن، لباس و غذا با گل یا ماده خوشبوکننده است که برخی مصادیق آن در روایات، جهت تفهیم مفهوم طیب به راوی ذکر شده و این ادله هیچ‌گونه تنافی با ادله دال بر جواز بوییدن گل و میوه برای مُحرم ندارد.

به هر روی چنانچه در مصادیقی از طیب تردید صورت گیرد که آیا ماده خوشبوکننده بدن، لباس یا غذا محسوب می‌شود یا نه، اصل عملی برائت، حاکم به عدم وجوب اجتناب از آن مصادیق برای مُحرم است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مباحث مطرح‌شده در پژوهش را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. مراد از طیب، جسم و ماده‌ای است که برای خوشبوکردن بدن، لباس، غذا و مانند آن به کار می‌رود و به رایحه خوشبو، طیب اطلاق نمی‌شود.
۲. فقیهان امامیه استعمال طیب را برای مُحرم فی‌الجمله حرام می‌دانند؛ همچنین در مورد حکم بوییدن گل‌ها و میوه‌ها مشهور فقها قائل به کراهت و برخی قائل به حرمت و وجوب اجتناب‌اند.
۳. روایاتی که مصادیق متعددی برای طیب بیان نموده، از باب تحدید موضوع و حصر آن در موارد مشخص نیست؛ بلکه هدف، تبیین این نکته است که هر آنچه مانند این مصادیق فقط جهت خوشبو کردن مورد استفاده قرار

گیرد، مشمول نهی است. بنابراین طیب به معنای ماده شوشبوکننده می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد.

۴. مستفاد از روایات چنین است که مُحرم باید از شوشبوکردن خود با هر ماده شوشبو که برای شوشبو کردن بدن، لباس و غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز از خوردن غذای شوشبو اجتناب کند. اما اگر در عین شوشبو بودن کارایی دیگری مانند درمان، شست‌وشو و مانند آن دارد، چنانچه جنبه کاربردی دیگر بر شوشبو بودن غلبه داشته باشد به گونه‌ای که استفاده از آن مصداق شوشبو کردن نباشد استفاده از آن ماده در کارایی دیگر جایز و البته مکروه است؛ مگر اینکه بوی خوش آن کم و ملایم باشد که در این فرض، کراهت نیز منتفی است. بنابراین استفاده مُحرم از شوینده‌های شوشبو مانند شامپو، صابون و پودرها یا مایع‌های مخصوص شست‌وشوی لباس جایز و البته مکروه است؛ زیرا گرچه از عطرمایه‌های گل‌ها و میوه‌ها جهت مطبوع کردن بوی این مواد استفاده شده، اما از آنجاکه شست‌وشوی بدن و به‌ویژه لباس با این مواد، مصداق شوشبو کردن نیست، استفاده از آن برای مُحرم جایز و در مواردی که بوی تند و ماندگاری داشته باشد مکروه است.

۵. مستفاد از روایات این است که وجوب قربانی به‌عنوان کفاره استفاده از طیب، تنها مختص به خوردن غذای شوشبوست و صدقه مقداری طعام در حد سیری فرد اطعام‌شده، به‌عنوان کفاره شوشبو کردن بدن و لباس، مستحب است.

منابع

۱. آبی، حسن بن ابیطالب (۱۴۱۷ ق).
كشف الرموز فى شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، چاپ سوم.
۲. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ ق).
مصباح الهدى فى شرح عروة الوثقى، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول.
۳. ابن ادريس حلى، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ق).
السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، چاپ دوم.
۴. ابن حمزه، محمد بن على (۱۴۰۸ ق).
الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، چاپ اول.
۵. ابن زهره، حمزة بن على (۱۴۱۷ ق).
غنية النزوع الى علمى الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۶. ابن سعيد حلى، يحيى بن احمد (۱۴۰۵ ق).
الجامع للشرائع، قم، مؤسسة سيد الشهداء العلمية، چاپ اول.
۷. ابن فهد حلى، احمد بن محمد (۱۴۰۹ ق).
الرسائل العشر، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، چاپ اول.
۸. ——— (۱۴۰۷ ق).
المهذب البارع فى شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، چاپ اول.
۹. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ ق).
لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر، چاپ سوم.
۱۰. افتخارى، على (۱۴۲۸ ق).
آراء المراجع فى الحج، تهران، نشر مشعر، چاپ دوم.
۱۱. انصارى محمد بن شجاع

۱۹. چاپ اول، قم، منشورات دارالعلم لطفی.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، بی نا.
۲۱. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۲۲. شبیری زنجانی، موسی (بی تا). التعليقات الرجالية علی کتب الحدیث، قم، بی نا.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۴. _____ (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۴ق) معالم الدین فی فقه آل یاسین، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۳ق). التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، قم، دار التفسیر، چاپ اول.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۶. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق). دلیل الناسک، نجف، مدرسه دارالحکمه، چاپ سوم.
۱۷. خمینی، سیدروح الله (بی تا). تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). المعتمد فی شرح المناسک،

- الامامیه، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
۳۲. عالی، احسان و دیگران (۱۳۹۶). «اسانس های گیاهی به عنوان ترکیبات دارویی طبیعی»، مجله دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۷۵، شماره ۷، ص ۴۸۰ و ۴۸۱.
۳۳. عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمين، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۳۴. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۸۷ق). جمل العلم و العمل، نجف، مطبع الآداب، چاپ اول.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۳۶. تبصرة المتعلمين فی احکام الدین، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. _____ (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام، قم، مؤسسه امام

- (۱۴۲۱ق). رسائل الشهيد الثاني، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۶. _____ (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه.
۲۷. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۸. صاحب جواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۹. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، قم، ایران، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه

- صادق علیه السلام، چاپ اول.
۳۸. _____ (۱۴۱۴ ق). تذكرة
الفقهاء، قم، مؤسسه آل
البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۹. _____ (۱۴۱۲ ق). منتهی
المطلب، مشهد، مجمع البحوث
الإسلامية، چاپ اول.
۴۰. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر
(۱۴۲۲ ق). انوار الفقاهه - كتاب
الحج، نجف، مؤسسه کاشف
الغطاء، چاپ اول.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب
(۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران،
دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۴۲. محقق اردبیلی، احمد بن محمد
(۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و
البرهان فی شرح إرشاد الأذهان،
قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته
به جامعه مدرسین حوزه علمیه
قم، چاپ اول.
۴۳. محقق حلی، جعفر بن حسن
(۱۴۱۸ ق). المختصر النافع فی
فقه الامامية، قم، مؤسسه
المطبوعات الدينية، چاپ ششم.
۴۴. _____ (۱۴۰۸ ق). شرایع
الاسلام فی مسائل الحلال و
- الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان،
چاپ دوم.
۴۵. محقق داماد، سید محمد
(۱۴۰۱ ق). کتاب الحج، قم،
چاپخانه مهر، چاپ اول.
۴۶. محقق سبزواری، محمدباقر بن
محمد مؤمن (۱۴۲۳ ق). کفایة
الاحکام، قم، دفتر انتشارات
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۷. _____ (۱۲۴۷ ق). ذخیره
المعاد فی شرح الارشاد، قم،
مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۲۴۷ هـ
ق، چاپ اول.
۴۸. محقق کرکی، علی بن حسین
(۱۴۰۹ ق). رسائل المحقق
الکرکی، قم، کتابخانه آیه الله
مرعشی نجفی، چاپ اول.
۴۹. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد
(۱۴۱۴ ق). تاج العروس من
جواهر القاموس، بیروت،
دارالفکر للطباعة و النشر و
التوزيع.
۵۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق).
المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره
شیخ مفید، چاپ اول.

۵۱. موسوی عاملی، محمد بن علی

(۱۴۱۱ق). مدارک الاحکام فی

شرح شرایع الاسلام، بیروت،

مؤسسه آل البيت علیهما السلام.

۵۲. مظاہری، منصور (۱۳۹۷ ش).

مناسک حج مطابق با فتوای امام

خمینی و مراجع تقلید، قم، نشر

مشعر، چاپ سیزدهم.

۵۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی

(۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی

احکام الشریعة، قم، مؤسسه آل

البيت علیهما السلام.

۵۴. یزدی، سید محمد کاظم بن

عبدالعظیم (۱۴۲۸ق). عروة الوثقی

مع تعلیقات فاضل، قم، مرکز

فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول.

